

## سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵

توضیح محمد جعفری، مدیر مسئول وقت روزنامه انقلاب اسلامی و قول صادق خلخالی در باره واقعه طبس

۱ - توضیح آقای محمد جعفری، مدیر مسئول وقت روزنامه انقلاب اسلامی در باره واقعه طبس:

این جانب محمد جعفری، مدیر مسئول وقت انقلاب اسلامی، توضیح زیر را بر توضیح آقای بنی صدر در باره واقعه طبس و شهادت محمد منتظر قائم برای مزید اطلاع خوانندگان، می افزایم. شهید محمد منتظر قائم، فرمانده سپاه پاسداران یزد، از اعضای سپاهی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود که با روزنامه انقلاب اسلامی - نظیر بعضی از اعضای این سازمان در شهرهای دیگر کشور - همکاری داشت.

وی توسط دو راننده تانکر که از یزد به طبس نفت می بردند، از آمدن امریکائیان به فرودگاه طبس مطلع شد. بدین ترتیب که شب، در راه، یکی از تانکرها بر اثر اصابت گلوله هائی که امریکائیهایی شلیک کرده بودند، آتش می گیرد و راننده آن زخمی می شود. راننده تانکر دوم راننده زخمی را به یزد می برد و آمدن امریکائیهایی را به فرودگاه طبس گزارش می کند.

بلادرنگ، او، به اتفاق دو تن دیگر، به اسامی عباس سامعی و دلاور دره شیری، به محل عزیمت می کند. ورود وی به محل و معاینه هلی کوپترها مقارن می شود با اقدام نیروی هوائی به از کار انداختن ملخهای هلی کوپترها با تیربار. گلوله ای نیز به محمد منتظر قائم اصابت می کند و او شهید می شود.

\* بنا بر این توضیح، یک دروغ بر دروغهای آقای هاشمی رفسنجانی افزوده می شود: الف - محمد منتظر قائم بر اثر اصابت گلوله کشته شده است. یعنی بمبارانی درکار نبوده است و تیراندازی با تیربار در کار بوده است. ب - او از کسی مأموریت نگرفته، با روزنامه انقلاب اسلامی همکاری داشته و به ابتکار خود برای بازدید به محل رفته است.

۲ - آقای شیخ صادق خلخالی که روز بعد، به فرودگاه طبس رفته، اینطور گفته است:

« در یکی از هلی کوپترها مبلغ ۷۰۰ هزار تومان پول ایرانی و مقادیری اسناد و مدارک که جزئیات مسیر پرواز را نشان می دهد، نزد من است که به کارشناس مطمئن تحویل خواهم داد. » (کیهان یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۵۹).

این قول، دروغ دیگری بر دروغهای آقای هاشمی رفسنجانی می افزاید. بدین ترتیب، او در ۸ جمله، ۱۱ دروغ گفته است!

در حقیقت، الف - نه تنها به هیچ هلی کوپتری آسیبی نرسیده بود که یک اسکناس و یک برگ کاغذ نیز نسوخته بود. ب - « سند » ها، نقشه هائی بوده اند که مسیر کماندوها را معلوم می کرده اند. ج - نخست آقای صادق خلخالی بوده که « اسناد » را در اختیار گرفته و سپس تحویل هیأتیهای تحقیق داده است. به سخن دیگر، د - هرگاه اسنادی وجود می داشتند و قرار بر از بین بردن آنها می بود، ارتشیان آقای خلخالی را به فرودگاه طبس نمی بردند، در همان لحظه که مطلع می شدند، خود به فرودگاه طبس می رفتند و « اسناد » را از میان می بردند. شلیک گلوله توسط هواپیما برای از کار انداختن ملخهای هلی کوپترها روش از بین بردن « اسناد » نبود.

و بر هر ایرانی است که در مقام عمل به مسئولیتی که هر انسان دارد، دست کم، از خود بپرسد: اگر اقدامی نمی شد و احتمالی که رئیس ستاد ارتش می داد، بوقوع می پیوست و شب می آمدند و هلی کوپترها را می بردند، ملاتاریای تا این اندازه گستاخ در دروغ سازی و خشونت، چه بر سر ارتش می آوردند و از آن روز تا امروز چه داستانها که نمی ساختند؟

و اکنون بعد از انتشارات خاطرات سال ۶۴، آقای هاشمی رفسنجانی معلوم می شود که با در دست داشتن تمامی اطلاعات در مورد حادثه طبس، صحبتی در از بین بردن اسناد و مدارک به میان نیامده است.

۲۹ مرداد ۶۴، «آقای بنکدار از وزارت اطلاعات آمد. راجع به نکات تردید آور در حادثه طبس و شکست آمریکائی ها صحبت کرد. او گفت هد ف آمریکائی ها مبهم است، یا آزادی گروگانها بوده یا کودتا بوده یا برداشتن یا گذاشتن چیزی در کویر طبس بوده یا چیزهای دیگر. در باره این موضوع

فیلمی می سازند و این تردید ها مانع است. توضیحاتی دادم و راههائی برای تحقیق بیشتر ارائه نمودم»

(امید و دلواپسی، ص ۲۲۴-۲۲۵ .)